



شرط نبوت انبیاء، ولایت امیرالمومنین است/ کاشف الکرب عن وجه الرسول

حجت الاسلام میرزامحمدی گفت: اگر وجود ملکوتی امیرالمومنین نبودند، انبیا به این تقرب نمی رسیدند چون شرط تقرب انبیا و شرط منصب نبوت، ولایت امیرالمومنین بود که در روایات به صراحت اشاره شده است.

حجت الاسلام میرزامحمدی گفت: اگر وجود ملکوتی امیرالمومنین نبودند، انبیا به این تقرب نمی رسیدند چون شرط تقرب انبیا و شرط منصب نبوت، ولایت امیرالمومنین بود که در روایات به صراحت اشاره شده است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: ایام شب های قدر و تقارن آن با شهادت مولای متقیان بهانه ای است که در مورد فضائل امیرمومنان تاملی دوباره داشته باشیم. در این مجال نقلی از ابن ابی الحدید را مورد بررسی قرار می دهیم که می گوید علی(ع) صاحب اخلاق متضاده است. در ادامه با یک روایت تاریخی گریزی به فضائل امیرمومنان خواهیم داشت. برای این منظور با دو تن از کارشناسان دینی کشور به گفتگو نشستیم که در ادامه می خوانید؛

برای خیلی ها تصور انسانی که در عین صلابت نرم باشد، در عین قدرتمندی متواضع باشد، در عین بزرگی در نهایت فروتنی باشد سخت بوده است. من معتقدم اینها اخلاق متضاد نیست. اینها مجموعه شاخصه های اخلاقی است که برخاسته از انسان قرآنی است

مصطفی دلشاد تهرانی با بیان اینکه ابن ابی الحدید جمله ای در شرح خود دارد که می گوید علی(ع) دارای اخلاق متضاده است مثلاً در عین حال که مرد میدان جنگ است، شب ها به تهجد می پردازد، گفت: برای خیلی ها تصور انسانی که در عین صلابت نرم باشد، در عین قدرتمندی متواضع باشد، در عین بزرگی در نهایت فروتنی باشد سخت بوده است. من معتقدم اینها اخلاق متضاد نیست. اینها مجموعه شاخصه های اخلاقی است که برخاسته از انسان قرآنی است.

وی ادامه داد: انسان قرآنی یک انسان سه وجهی است. یک وجه رو به خدا دارد و آن ایمان است. یک وجه رو به خودش دارد و آن تقوی است و یک وجه رو به خودش دارد و آن انسان است.

این نهج البلاغه پژوه افزود: در طول تاریخ می گفتند اگر کسی رو به خدا دارد دیگر نمی تواند رو به مردم داشته باشد. انسان قرآنی اینگونه نیست. در عین حالی که رو به خدا دارد رو به مردم نیز دارد. مردم را نیز جلوه خدا می بیند و با همه وجود عاشق آنهاست.

مصطفی دلشاد تهرانی گفت: شاید هنوز هم در بعضی از جاهای دنیا باشد که کسانی که می خواهند با خدا رابطه داشته باشند و یک پارسای محض باشند نمی توانند انسان اجتماعی باشند و این خلاف انسان قرآنی است. علی(ع) انسان قرآنی است. یعنی در عین حال که محو تمام عیار حق است و جز خدا نمی بیند اما در میان مردم و همراه مردم است و درد مردم را لمس می کند و برای مردم کار می کند.

این استاد دانشگاه افزود: ابن ابی الحدید و شریف رضی اظهار شگفتی می کنند که این انسانی که در میدان جنگ آنطور است در عبادت چگونه است. خاستگاه همه اینها یک چیز است و همه این ویژگی ها به یک نقطه برمی گردد و آن نقطه بندگی خداست. یعنی اگر کسی بنده خدا باشد مجموعه صفات خدا در او جلوه می کند. اصلاً تربیت، رفع موانع و ایجاد مقتضیات است که انسان به صفات و کمالات الهی متصف شود. صفات و کمالات الهی یعنی چی؟ یعنی شما در عین اینکه قدرت، علم، سطوت دارید نهایت رحمت هم دارید. برای آنها سخت بوده که همه اینها را با هم ببینند.

وی ادامه داد: به نظر من اگر کسی زیر ساخت لازم را داشته باشد مجموعه این ویژگی ها در او بروز می کند و این ویژگی ها به هیچ وجه متضاد نیست بلکه کمک کننده هم است. به میزانی که شما عاشق خدا می شوید عاشق مردم می شوید. امیرالمومنین به مالک می فرماید: «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ»؛ یعنی قلبت را از رحمت به مردم و عشق به آنان و لطف به ایشان لبریز کن. این از خدادوستی نشأت می گیرد. لذا هیچ منافاتی ندارد که کسی عاشق خدا باشد و پارسا و بنده خدا باشد و اهل عبادت باشد و این جلوه ها را هم داشته باشد.

مرحوم شهید ثانی می فرماید «الشَّيْعَةُ هُم مِّن شَايِعِ عَلِيٍّ»؛ شیعه کسی است که علی(ع) را مشایعت کند. و این راه نجات است.

دلشاد تهرانی در مورد مفهوم ولایت و ولایت در ادبیات دینی ما و اشاره به این موضوع توسط امیرالمومنین در نهج البلاغه گفت: به لحاظ لغوی این معنی است که دو نفر چنان در کنار هم قرار بگیرند که ما آنها را یکی بینیم. لذا اصل ولایت یعنی تنگاتنگی. ولایت یعنی اینکه ما در تنگاتنگی یک انسان راه یافته به حق قرار می گیریم. اگر اینطور باشد و ما این ولایت را بپذیریم، او دست ما را می گیرد و به سوی حق می برد. امیرالمومنین وقتی می خواهد از این ولایت صحبت کند می فرماید «إِن أُطْعِمُوا قِيَّ حَامِلُكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَلَى سَبِيلِ الْجَنَّةِ وَإِنْ كَانَ ذَا مَشَقَّةٍ شَدِيدَةٍ وَ مَذَاقٍ مَّرِيَّةٍ»؛ اگر از من فرمان ببرید، -اگر خدا خواهد- شما را به راه بهشت می برم، هر چند راه سخت و با تلخکامی آمیخته باشد.

وی ادامه داد: پس ولایت یعنی پذیرش سرپرستی انسان یا انسان هایی که راه یافته به حق هستند که باید با آنها به صورت تنگاتنگ همراه شد و به دنبال آنها رفت. ولایت امیرالمومنین یعنی اینکه ما پا در جای پای او بگذاریم. مرحوم شهید ثانی می فرماید «الشَّيْعَةُ هُم مِّن شَايِعِ عَلِيٍّ»؛ شیعه کسی است که علی(ع) را مشایعت کند. و این راه نجات است.

وی در پایان تصریح کرد: امیرالمومنین در آنجایی که مردم را به همراهی و اطاعت از خودش فرا می خواند از ادبیاتی از جنس ولایت استفاده می کند. لذا ولایت را باید درست فهمید.

حجت الاسلام محمد میرزاحمدی در مورد فضائل امیرالمومنین گفت: امیرالمومنین در ده سالگی رائج نبوت به مشام او می رسید و نور وحی و جبرئیل را می دید. لذا پیامبر اکرم هم خطاب به او فرمودند «إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ وَ تَرَى مَا أَرَى»؛ هر چه من می بینم تو هم می بینی و هر چه من می شنوم تو هم می شنوی. تفاوت تو با من در این است که «إِلَّا أَنْكَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ»؛ تو نبی نیستی. این به آن معنا نیست که امیرالمومنین لیاقت نبوت را نداشته است، نه! چون مقام امامت از نبوت بالاتر است. اراده پروردگار بر این تعلق گرفته بود که نبوت به وجود ملکوتی پیامبر ختم شود والا طبق آیه ابتلا یعنی آیه ۱۲۴ سوره بقره، منصب امامت از منصب نبوت بالاتر است.

وی ادامه داد: البته به این معنا نیست که امیرالمومنین بالاتر باشد چون پیامبر هم امام بودند و هم نبی و هم رسول. افضل همه انبیاء و اوصیاء هستند اما در مقایسه امیرالمومنین با بقیه انبیاء، امیرالمومنین افضل بر همه انبیاء هستند.

وی افزود: در ساعات پایانی عمر امیرالمومنین وقتی طیب حضرت را جواب کردند، صعصعه بن صوحان و اصبع بن نُبَاته به ملاقات حضرت آمدند. حضرت کسانی را که به ملاقاتشان آمده بودند را جواب کردند چون حال مساعدی نداشتند. امام مجتبی همه را مرخص کردند، اما این دو نفر ماندند. امیرالمومنین صدای ناله شنیدند و خطاب به امام مجتبی فرمودند مگر نگفتم کسی پشت در برای ملاقات نماند؟ امام مجتبی بیرون آمدند و دیدند این دو بیرون ایستاده اند. این دو نفر شرطه الخمیس حضرت بودند یعنی کسانی بودند که قسم خورده بودند تا آخرین قطره خون از امیرالمومنین دفاع کنند و بر این عده و پیمانشان هم وفادار ماندند.

مرحوم میرزا اسماعیل دولابی در اینجا یک گریز تربیتی می زد و می گفت اگر مدتی دق الباب کردی و جواب نیامد زود قهر نکن. چون خود این امر شاید بهانه ای است که خود صاحب خانه در را به رویت باز کند

این کارشناس دینی ادامه داد: امیرالمومنین اجازه دادند که این دو وارد شوند. مرحوم میرزا اسماعیل دولابی در اینجا یک گریز تربیتی می زد و می گفت اگر مدتی دق الباب کردی و جواب نیامد زود قهر نکن. چون خود این امر شاید بهانه ای است که خود صاحب خانه در را به رویت باز کند.

حجت الاسلام میرزاحمدی گفت: اصبع ابن نباته لحظات جان دادن حضرت را برای ما نقل می کند که حضرت دستمالی به سر بسته بود و به قدری رنگ چهره زرد بود که تشخیص ندادم چهره علی(ع) زردتر است یا رنگ دستمال و بعد حضرت پاشنه های پای مبارک رو بر روی بستر می شکیدند و جمع می کردند.

وی افزود: صعصعه بن صوحان که اولین روضه خوان قبر امیرالمومنین هم هست در جنگ جمل و صفین برادران خود را در راه امیرالمومنین فدا کرده بود و خودش فقیه و مجتهد مسلم بود. اینجا سوالی از حضرت پرسید که «یا امیر المؤمنین أنتَ أَفْضَلُ أَمْ أَدَمٌ»؛ حضرت جوابی دادند که این جواب سندی شد بر افضلیت امیرالمومنین به همه انبیاء.

فرمودند: «انا افضل من آدم»؛ صوحان پرسید: «انت افضل ام نوح»؛ حضرت فرمود: «انا افضل من نوح»؛ صوحان پیامبرانی از جمله موسی، عیسی، ابراهیم را نام برد و حضرت فرمود من بر همه اینها افضل هستم. پس منصب امامت افضل بر منصب نبوت است و وجود ملکوتی امیرالمومنین افضل بر تمام انبیاء هستند حتی انبیای اولوالعظم.

اگر وجود ملکوتی امیرالمومنین نبودند اصلاً انبیا به این تقرب نمی رسیدند چون شرط تقرب انبیا و شرط منصب نبوت ولایت امیرالمومنین و محبت حضرت زهرا(س) بود که در روایات ما به صراحت اشاره شده است

وی ادامه داد: اگر وجود ملکوتی امیرالمومنین نبودند اصلاً انبیا به این تقرب نمی رسیدند چون شرط تقرب انبیا و شرط منصب نبوت ولایت امیرالمومنین و محبت حضرت زهرا(س) بود که در روایات ما به صراحت اشاره شده است. «ما تکاملت النبوه لنبی حتی أقرّ بفضلها و محبتها»؛ یعنی شرط نبوت هر پیامبری این بود که به محبت و فضیلت صدیقه طاهره(س) اقرار کند. وقتی پیامبر در شب معراج از انبیا پرسیدند که «ماذا بعثکم ربی»؛ یعنی فلسفه بعثت شما چیست؟ همه گفتند ما مبعوث شدیم برای امر مقدس توحید و رسالت تو و اقرار به ولایت امیرالمومنین. پس امامت بالاتر از منصب نبوت است.

این کارشناس دینی گفت: لذا پیامبر(ص) مامور بودند امام را به عنوان افضل مخلوقات عالم و اشرف گزینه های آفرینش در کنار قرآن برای امت معرفی کنند و معرفی کردند. از ولادت و روزهای کودکی امیرالمومنین گرفته تا واقعه غدیر خم.

وی اظهار داشت: سوای از اتفاقات ولادت امیرالمومنین و تربیت امیرالمومنین توسط پیامبر در دوران خردسالی، وقتی امیرالمومنین ده ساله بود برای پیامبر در غار حرا آب و غذا می آورد. خود حضرت در خطبه قاصعه این داستان را تعریف می کند. می فرماید شب چهلیم که خدمت پیامبر رسیدم «انی اری نور الوحی»؛ نور وحی را می دید. «وَلَقَدْ سَمِعْتُ رَنَّهُ الشَّيْطَانُ»؛ صدای ناله شیطان را می شنید که «قَدْ أَيْسَ مِنْ عِبَادَتِهِ»؛ شیطان از عبادت خود مایوس شد.

قصه خوابیدن امیرالمومنین به جای پیامبر نه فقط برای ليله المبیت که برای آن آیه نازل شد، بلکه برای هر شب شعب ابی طالب است. هر شب که پیامبر می خوابید و جای او مشخص می شد، جناب ابوطالب در دوران شعب ابی طالب، هر شب جای پیامبر را با علی(ع) عوض می کرد برای اینکه پیامبر ترور نشود

وی گفت: فاصله بین ده تا ۲۳ سالگی امیرالمومنین، ۱۳ سال وقوف پیامبر در مکه است. سال های هفتم تا دهم هجری سال های شعب ابی طالب است. در این مدت ذکر این نکته لازم است که قصه خوابیدن امیرالمومنین به جای پیامبر نه فقط برای ليله المبیت که برای آن آیه نازل شد، بلکه برای هر شب شعب ابی طالب است. هر شب که پیامبر می خوابید و جای او مشخص می شد، جناب ابوطالب در دوران شعب ابی طالب، هر شب جای پیامبر را با علی(ع) عوض می کرد برای اینکه پیامبر ترور نشود. امیرالمومنین در اینجا ۱۷ سال داشت.

میرزاحمدی گفت: بعد از ورود پیامبر به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی ۸۲ جنگ بر پیامبر تحمیل شد که امیرالمومنین در تمامی اینها جز جنگ تبوک حضور دارند. در تمام جنگ ها، جنگ با شمشیر علی(ع) مختومه شد. لذا ابن ابی الحدید می گوید ضربات کاری عرب هفت ضربه بود که عرب هر هفت ضربه را از علی(ع) یاد گرفت.

وی ادامه داد: امیرالمومنین در طول این سال ها به عنوان سبیل منصب امامت بارها و بارها معرفی می شد. در غدیر آنچه که پیامبر انجام داد گرفتن بیعت علنی بود برای امیرالمومنین نه اینکه بخواهد علی(ع) را معرفی کند. ۲۳ سال علی(ع) را معرفی کرده بود.

وی افزود: روز مبعث روز زیارت مخصوصه امیرالمومنین است که در زیارتنامه آن حضرت می خوانیم «السلام علیک یا کاشف الكرب عن وجه الرسول»؛

این کارشناس دینی گفت: مرحوم محدث قمی در سفینه البحار روایتی را نقل می کند که اگر پیامبر در جمعی نشسته بود و می خواست برخیزد، علی(ع) عصای دست پیامبر می شد.

وی ادامه داد: پیامبر وقتی در نزول آیات اولیه سوره برائت، فرد دیگری را فرستاد، جبرئیل نازل شد که یا رسول الله این آیات را یا باید خودت ببری و یا «رجل من نفسک»؛ این همان آیه مباهله است، یعنی علی(ع). علی یعنی

خود رسول. مرحوم اقبال لاهوری اینجا بیتی دارد که می گوید «چونکه اوصاف محمد با علی است/ هر که گوید یا محمد یا علی است»

وی افزود: پیامبر فرمود «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و علی بن أبی طالب واعلموا ان علیا لکم أفضل من کتاب الله لأنه مترجم لکم عن کتاب الله» علی(ع) از قرآن هم بالاتر است چون سخنگو و مترجم قرآن است. پیامبر در این حدیث علی(ع) را کنار قرآن گذاشت یعنی هر که بخواهد علی(ع) را بشناسد اول باید قرآن را بشناسد.

میرزا محمدی گفت: از همینجا وصیت نامه پیامبر قیچی شد و عده ای گفتند «حسینا کتاب الله» مردم مدینه هم فکر کردند که با این شعار قرآن حفظ می شود. اگر علی را از قرآن جدا کنی، قرآن دیگر کتاب شفا و هدایت نیست، بلکه برعکس خودش عامل اختلاف است. شاهد این حرف من هم خوارج و قتلۀ ابی عبدالله و آل سعود هستند.

وی ادامه داد: در زیارتنامه عید قربان امام حسین می خوانیم «وأصبح کتاب الله بفقدک مهجورا» حسین جان اینها با کشتن تو اول قرآن را به زمین زدند.

وی در پایان اظهار داشت: در سقیفه گفتند علی همه فضایل و برتری های لازم را دارد ولی کفایت سیاسی ندارد! این همان آقایی است که در ده سالگی می گفت «انی اری نور الوحی» حال در سی و سه سالگی کفایت سیاسی ندارد؟